

آچارکشی

بابابزرگ نوستراداموسی‌ما و مسئله هریار تونل، چقدر؟



پوری‌عالمی

● بابابزرگ ما می‌گفت حالا صبر کن بابت نفس‌کشیدن هم ازت پول می‌ستونند. واسه همین راه‌افتن توی جاده خدا هم پول می‌ستوند. حالا صبر کن...

ما طبق فرهنگ اصیل ایرانی‌ای که داریم، به تجربه بزرگ‌تراها کاری نداریم و به حرف همه می‌خندیم مخصوصا اگر تجربه یا تخصص داشته باشند. به همین سنت شریف وقتی بابابزرگ این حرف‌ها را زد، همه فامیل بهش خندیدیم. منتها مسئله‌ای پیش آمده که ما باید پنجشنبه آخر هفته برویم قبرستان و از بابابزرگ عذرخواهی کنیم. چون پیش‌بینی او به واقعیت پیوسته. چطور؟ این‌طور که «فرمانداری تهران گفته پولی‌شدن عبورورور از تونل‌ها باید به تأیید وزارت کشور برسد».

توجه کردید؟ استناد تکذیب نکردند، فقط گفتند زحمت مسائل را وزارت کشور بکشد. ولی واقعا ما ایرانی‌ها نتنها قدر سرمایه‌هایی همچون فردوسی، حافظ، احمدی‌نژاد، زکریای رازی و ... را نمی‌دانیم بلکه قدر بابابزرگ خودمان را هم نمی‌دانیم.
بله. خارج یکی را داشت که معلوم نیست دقیقا روی چه فازی بود به اسم نوستراداموس، کلی در جهان پرش را دادند. الان بروی پیش عمه و عموی ما بگوینی هواشناسی گفته فردا باران می‌آید، به ما و هواشناسی می‌خندند. اما اگر بگوینی نوستراداموس پیش‌بینی کرده بوده، سریع بغض می‌کنند و چترشان را برمی‌دارند. خلاصه که بابابزرگ ما از نوستراداموس و دیگر بزرگان ما مثل دکتر عباسی و مشایی کم نداشت و به‌درستی و ظرافت چیزها را بهم ربط می‌داد.

مسائل

خلاصه منتظر باشید که قرار است برای رددشن از تونل پول بدهید.

منتها هنوز دولت مشخص نکرده رددشن را، راهی حساب می‌کند یا رفت‌وبرگشت را دوبار پول می‌گیرد؟ این سؤال مهمی است.

از طرفی اگر فردا برای رددشن از تونل از ما راهی پول بگیرند، هیچ بعید نیست پس‌فردا برای دوزدن میدان هم پول بگیرند. چطوری؟ لابد یک‌نفر می‌نشیند سر میدان و می‌گوید شما چند دور می‌خواهی بزنی؟ یا چند دور رفتی؟

پیش‌بینی

ما فقط نگرانیم با این فرمانی که می‌روند، فردا هریار از در خانه برویم بیرون و بباییم تو، باز برایمان چرتکه بیندازند. به‌هرحال ما به بابابزرگمان خندیدیم و حرف گوش نکردیم و این‌طوری شد، شما دقت کنید.

پیشخوان

● شماره ۶۸ فصلنامه فرهنگی و اجتماعی «گفت‌وگو» منتشر شد. موضوع محوری این شماره گفت‌وگو به «نهادهای کارفرمایی در ایران» اختصاص دارد. آن‌طور که

«مراد تقفی»، مدیرمسئول این فصلنامه، در سرمقاله آن توضیح داده است: «با نگاهی به جریان‌های جدید در جامعه‌شناسی‌تشکل‌ها به‌روشنی می‌توان دریافت که ما تا چه حد در بررسی‌تشکل‌های کارفرمایی کشور در همان مراحل ابتدایی این راه دشوار قرار داریم و تا چه حد این نهادهای که هم‌اکنون در تأثیر و اهمیتشان در کارکرد مناسبات جوامع صنعتی و پیشرفته تردیدی نیست از نگاه تاریخ‌نگاران و جامعه‌شناسان مغفول مانده‌اند».
با همین رویکرد، فصلنامه گفت‌وگو در مقالاتی چون «بررسی‌تشکل‌های اقتصادی کارفرمایی و مسئله نمایندگی»، «نگاهی به عملکرد کارفرمایان در ایران ۱۳۴۰-۱۳۵۰»، «قانون کار و تحولات روابط کارگری-کارفرمایی»، «سندیکای صنعت برق ایران: نمونه یک تشکل کارفرمایی کارا»... و... تلاش کرده است به مهم‌ترین حوزه کارفرمایی در ایران بپردازد.
شماره ۶۸ فصلنامه گفت‌وگو در ۱۲۶ صفحه و با قیمت ۱۵هزارتومان منتشر شده است.

● نشر دف، واقع در زیر پل سیدخندان، پنجشنبه این هفته (۱۷/۱۱/۹۴) از ساعت پنج تا هفت بعدازظهر، میزبان اعضای یک شبکه اجتماعی معاوضه کتاب خواهد بود. اعضای این گروه تاکنون می‌توانند در اماکن عمومی مانند پارک‌ها و کافه‌ها کتاب‌هایشان را با یکدیگر معاوضه کرده‌اند. اکنون این نخستین‌باری است که یک «کتافروشی» را برای مبادله کتاب‌هایشان انتخاب می‌کنند. وترین و دکور پارسی و جذاب کتافروشی نشر دف، عموما مورد علاقه جوانان بوده است. مدیران نشر «دف» می‌گویند از هر فرصت ممکن باید برای افزایش سرانه مطالعه در میان جوانان استفاده می‌کنند. «شبکه‌های اجتماعی» رسانه‌هایی هستند که می‌توانند با نگاه و رویکرد مثبت در خدمت کتاب قرار بگیرند. موضوع «مبادله کتاب‌های خوانده‌شده»، در یکی از شبکه‌های اجتماعی بیش از ۱۴ هزار عضو علاقه‌مند دارد!

شترق روزنامه

پنجشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۴ ● ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ ● ۷ ژانویه ۲۰۱۶ ● سال سیزدهم ● شماره ۲۴۸۹ ● ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ ● اذان مغرب ۱۷:۲۶ ● اذان صبح فردا ۵:۴۵ ● طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنفرها



کارتون خواب



خط مبحث

این‌طوری خیالم راحت‌تر است



مرضیه رسولی

پنج، شش نفر در اتاق انتظار مطب نشسته بودند که نوبت‌شان نشود و دکتر صدای‌شان کند. کسی وارد شد و کنارشان نشست: احتمالا بیمار تازه‌ای بود که باید بعد از همه آدم‌های حاضر می‌رفت تو. صدای زنگی شنیده شد. با صدای زنگ، غیر از تازه‌وارد بود، همه بلند شدند و چند ثانیه ایستادند و دوباره نشستند.

تازه‌وارد به اطرافش و به آدم‌های ایستاده نگاه کرد و علت را نفهمید. حدود یک دقیقه گذشت که دوباره صدای زنگ آمد و منتظران همان واکنش را نشان دادند و تازه‌وارد همچنان متعجب بود. این عمل تکرار شد و سر زنگ چهارم یا پنجم بود که بالاخره مقاومت تازه‌وارد شکسته شد و او هم به همراه بقیه با صدای زنگ سرپا ایستاد. احتمالا به خرد جمعی و اینکه حتما دلیلی پشت این کار هست، اعتماد کرد.

شاید اگر همچنان مقاومت می‌کرد، از بقیه جدا می‌افتاد و معذب می‌شد و این‌طور به نظر می‌رسید که دارد از امری سرپیچی می‌کند. به علاوه مگر با بلندشدنش چه اتفاقی می‌افتاد که بخواهد تن ندهد. منتظران یکی یکی داخل اتاق دکتر می‌رفتند و کارشان انجام می‌شد و عمل برپا و برج‌با صدای زنگ بیرون اتاق ادامه داشت. تازه‌وارد دیگری اضافه شد و او هم مثل مراجعه‌کننده قبلی، حاج و واج بود و بالاخره تن داد و همراه بقیه، برپا برج‌ا کرد. دیگر از آدم‌هایی که قبل از مراجعه‌ان اخیر داخل اتاق انتظار بودند، خبری نبود و همه رفته بودند؛ اما حرکت مثل آیینی که سینه‌به‌سینه منتقل شده، ادامه یافت و مراجعه‌ان بعدی را هم مبتلا کرد.

این شرح ویدئویی بود که در فیس‌بوک دیدم و توضیحش ساده است: یک نفر بدون اینکه به کار خود فکر کند و دنبال دلیل منطقی برای انجامش

بگردد، دنباله‌رو بقیه می‌شود و همین که بقیه هم این کار را انجام می‌دهند، برایش کفایت می‌کند؛ چون اگر بخواهد قبل از هر کاری به دلیلش فکر کند، از بقیه و از جهان عقب می‌افتد.

اگر کسی از آن تازه‌وارد بیرسد چرا با شنیدن صدای زنگ بلند می‌شوی، می‌گوید چون همه بلند می‌شوند و این جوابی آشناست و بارها در موقعیت‌های مختلف شنیده‌ایم و ضرب‌المثل



علی‌اکبر قاضی‌زاده

انتشار خبر قطع رابطه دیپلماتیک جیبوتی با ایران به‌طور گسترده در رسانه‌های کشور درحالی‌که این خبر یک شایعه و شوخی بوده، تنها یک نمونه از قدرت فناوری‌های جدید رسانه‌ای است. همه آنهایی که در زمینه روزنامه‌نگاری آنلاین فعالیت می‌کنند، عقیده دارند که اطلاعات موجود در اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای موبایلی دو عیب کلی دارد: اولاً ویرایش‌شده نیست و ثانیاً قابل اعتماد نیست؛ یعنی اولاً فنون روزنامه‌نگاری و همچنین

تهران سورئال

بیدانکید



لیلی گلستان

از این قصه‌ها همه‌مان داریم. از بس زیادند، یادمان نمی‌ماند.
یک روز تصمیم گرفتم آنها را یادداشت کنم. کردم. این یکی از همان‌هاست. بدون هیچ غلو و کرافه‌ای.

تلفن گالری زنگ زد. برداشتم. خانم گلستان؟ بله.
لهجه‌ای به‌شدت غلیظ و صدای سردی بیر.
گفت من از شهرستان زنگ می‌زنم. روبه‌روی خانه ما یک قهوه‌خانه است که آن‌وقت‌ها صمد بهرنکی می‌آمد آنجا و ما و خیلی‌های دیگر می‌رقیم به دیدنش. او می‌گفت باید کتاب‌های من را یک قرون دوزار قیمت بگذارند تا فقرا بتوانند بخزند. حالا شما چرا کتابتان را ۱۵هزارتومان قیمت گذاشته‌اید.
گفتم ۱۵هزارتومان حالا همان یک قرون دوزار آن‌وقت‌هاست. گفت من که خریدم. اما این بهانه بود تا کار واجبی را که به شما دارم بگویم. گفتم در خدمت هستم. گفت همسایه ما دختری دارد که ۱۴سالش است، عاشق پسری شده ۲۰ساله که

در تهران است. حالا دختر می‌خواهد برود تهران زن پسره بشود و پدر و مادر مخالفند و در آن خانه بلوایی برپاست. من به پدر دختری گفتم فقط یک‌نفر است که می‌تواند این مشکل را حل کند. آن هم خانم گلستان است! گفتم من؟ گفت بله شما.

ما کسی را در تهران نداریم و من تلفن شما را به‌سختی پیدا کرده‌ام و تنها شما را داریم.

شما باید بروید این پسر را پیدا کنید و او را از این کار منصرف کنید. باز گفتم من؟ چطوری؟ گفت قربانت بروم مشکل همین «چطوری» است. ما نه اسمش را می‌دانیم و نه آدرسش را و نه تلفنی از او داریم. شما کتاب‌نویس هستید. می‌توانید پیدایش کنید، امیدمان به شماست. شما کتاب می‌نویسید. هر کاری می‌توانید بکنید.

نکته

تابلوهایی برای ایدز

● کمتر از چند ماه پیش بود که اتوبوس آگاهی‌بخش ایدز در خیابان‌های تهران حرکت کرد و هر روز یک‌جا مستقر شد. از همان روزهای آغاز کشف بیماری ایدز ترس و وحشت چاشنی آن بود. برای ما ایرانی‌ها بیش‌تر راجع بود تا کمتر از آن بترسیم. مهم هم نیست ایرانی هستیم یا خارجی. یکی از لحظه‌های هول و دهشت چه در فیلم‌ها چه در لحظات درام داستان‌ها زمانی بود که شخصیت جواب آزمایش را می‌گرفت و به عنوان کسی که HIV+ دارد، شناخته می‌شد. در این سال‌ها بسته به رویکرد آمدن دولت‌های مختلف و نوع نگاه به این بیماری، شکل تبلیغات درباره آن تغییر کرده است. اکنون در این مقطع زمانی به نظر می‌رسد آگاهی‌بخشی و هشدار درباره آن به سوی کاربردی‌شدن و افزایش خلاقیت هدایت شده است. نمونه‌اش تابلوهایی است که در کناره اتوبان‌ها به چشم می‌خورد. شاید اینها قدمی مثبت باشد و شاید بشود درباره این بیماری به اندازه کافی هشدار داد.



سلام به فردا

قطع رابطه با جیبوتی شایعه شبکه‌های مجازی یا واقعیت

از اعتماد مردم پاسداری کنیم

اطلاعات موثق را به مردم منتقل کنیم. در کلاس‌های آموزش روزنامه‌نگاری یکی از اولین دروسی که به خبرنگاران داده می‌شود، دقت در انتخاب منابع خبری است؛ یعنی بررسی این موضوع توسط خبرنگار که چه منبعی خبر را منتشر کرده و آیا موثق هست یا نه. علاوه‌براین سنتی ۲۰۰ساله در روزنامه‌نگاری وجود دارد که «دبل‌چک» نامیده می‌شود. در این سنت هیچ خبری بدون اینکه دو منبع خبری موثق آن را تأیید کرده باشند، نباید منتشر شود. روزنامه‌نگاران ما متأسفانه کرد گردش‌شان به اینترنت وابسته شده و خیال می‌کنند هرآنچه در سایت‌ها، شبکه‌ها و موتورهای جست‌وجوگر بیابند، قابل انتشار است. اعتماد بیجا به منابع مشکوک، غیرمعتبر یا نامعلوم هستند و نتیجه‌ای جز گسترش بی‌اعتمادی ندارد.

گزارش فردا

از چسب بخیه تا کودکان زندانی

با بالاگرفتن بحران مهاجرت در جهان، نیاز به تلاش‌های بشردوستانه در این زمینه نیز افزایش می‌یابد. یکی از افسردگی که دست به اقدامات بشردوستانه در زمینه مهاجران زده است، «سوفیا آلپلرکن»، فعال سوئدی، است. سوفیا همسری ترک و مهاجر دارد و از نزدیک با مشکلات سازگاری مهاجران با کشور مقصد آشناست. به‌همین‌دلیل در سال ۲۰۰۸ تصمیم گرفت مؤسسه‌ای با عنوان «زندگی من» را در سوئد راه‌اندازی کند تا ضمن آموزش مهاجران، به آنها در پیداکردن شغل یاری رساند. او در این زمینه گفته است: «من دوست داشتم کاری کنم تا هرکس که از هرجایی از دنیا به سوئد آمده است، فکر کند در خانه و جامعه خودش در حال زندگی‌کردن است و بتواند به‌راحتی در این جامعه جدید کار کند. سوئد کشوری است با دو در. در کشور همیشه روی مهاجران باز است اما در بازار نه». این مؤسسه با کاربایی برای ۴۰ نفر در سال نخست شروع کرد و درحال حاضر در طول سال این نزدیک به ۴۰۰ نفر شغل پیدا می‌کند.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای امسال جهان، باوچ‌رسیدن تغییرات اقلیمی بود. به‌طوری‌که کریسمس امسال گرم‌ترین کریسمس تاریخ بود. به‌همین‌دلیل «می‌بوونی»، در فهرست تأییم جایی را به خود اختصاص داده است. این فعال محیط‌زیست و مدیر سازمان غیردولتی توانست شرکت‌های اقتصادی بسیاری را متقاعد کند که از سرمایه‌گذاری در زمینه سوخت‌های فسیلی خودداری کنند. او کسی است که بزرگ‌ترین راهپیمایی علیه گرم‌شدن کره زمین را رهبری کرد. با تلاش‌های شبانه‌روزی بوویی در سپتامبر ۲۰۱۵، گردهمایی ۴۰۰هزارنفری علیه تغییرات اقلیمی در نیویورک اتفاق افتاد. او همچنین با نامه‌نگاری‌های زیاد و ارتباط با سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی توانست راهپیمایی‌های مشابهی در ۱۶۱ کشور جهان هم‌زمان با راهپیمایی نیویورک سازماندهی کند. این فعال ۳۱ساله فعالیت در حوزه تغییرات اقلیمی را از سال ۲۰۰۷ آغاز کرده است.

در دسامبر ۲۰۱۱ دو جت جنگنده ترکیه به بمباران گروهی در نزدیکی مرزهای عراق پرداختند که گمان می‌کردند از نیروهای پ‌ک‌ک هستند. اما پس از بمباران معلوم شد، این گروه ۳۰نفره تعدادی شهروند ترک ازجمله چندین کودک و مشغول قاچاق نفت و سیگار به داخل ترکیه بوده‌اند. برای ساعت‌ها رسانه‌های رسمی ترکیه از انعکاس این خبر خودداری کردند. این اتفاق باعث شد «انین اوئر»، دانشجوی ترک، به فکر راه‌اندازی یک حساب کاربری در توئیتر با عنوان 140jounos باشد تا اخبار سانسور‌شده رسانه‌های ترکیه را پوشش دهند. اوئر ازجمله کسانی است که در پوشش اخبار مربوط به مخالفان دولت رجب طیب اردوغان در یارک گزی، نقش اصلی را داشته است. از نظر تأییم او روزنامه‌نگاری شهروندی را متحول کرده است.

همین حوالی

از درون تهی

رفتاری «ظاهرگونه» و بر صدر نشان‌دادن ترکیه مدرن، بر ذهن مدیران آن کشور حکم‌فرماست و کیست که نداند با توجه به پایین‌آمدن ارزش لیر در چندماه اخیر، وضع نامناسب اقتصادی بر چهره این سرزمین سایه بدی انداخته ولی به سبب چنین سیاست‌های فراقفکنانه‌ای، در نزد افکار عمومی دنیا، چهره موجهی می‌گیرند و شاید با این راهکارها در جذب مخاطب نیز موفق عمل کرده‌اند، طوری که صنعت توریسم آن کشور سالانه مبالغ هنگفتی سودآوری دارد! یک‌بام‌ودوگه‌ای رفتاری کرکزی، نقش اصلی را شتا‌زده و از سر یادآوری امپراتوری عثمانی، در نگاه صاحب‌نظران و مخالفان، به‌یقین رصد می‌شود و در بزنگاهی خاص خود را نشان می‌دهد ولی نکته مهم آنجاست که چنین عملکردهایی، قرینه آرزو نشود در برخی کشورها و افسوس ترکیه‌ای را بخورند که فقط نظاره‌گر امور بود و شاید خودش افسوس‌خور...

ابراهیم عمران: چندی پیش در پی فوت روزنامه‌نگار همواره اردوغان در عربستان، رئیس‌جمهور ترکیه شرفش را به‌خاطر ردگذشت «حسن قرق‌ایله» نیمه‌تمام گذاشت. کشوری که حدود یک ماه قبل روزنامه‌نگاری را به‌خاطر مخالفت با سیاست‌های اشتباه و ج‌واظ‌لبانه و «عثمانی»‌وار اردوغان دستگیر کرده، اکنون چطور می‌تواند چنین تصمیم «آزادی مآبانه‌ای بگیرد؟ در اینکه کرداری چنین از فردی بسان نخست‌وزیر ترکیه، شاید در نگاه دوستداران حقوق روزنامه‌نگاران، گذاشت.
موجه و مطلوب جلوه کند. ولی نباید از موضع آزادی مطبوعات در آن کشور، منطاً باید و به جهانبان این‌گونه وانمود کرد که در آن سرزمین همه امور بر وفق میناق‌های مدرن جهانی است. شاید بد نباشد در این وجهیزه کوتاه این کردار حاکمان ترکیه را با فیلم‌ها و سریال‌های سطحی و بی‌محتوا و بی‌فیلم‌نامه اصولی‌شان تطبیق داد و نتیجه گرفت که اصول